

بقیه از صفحه اول

نظری بر "نامه اقلیت"

حاضرید در این بازی سیاسی شرکت نمایند.

در واقع ماهیت اختلافاتی که بر سر نحوه بحث و غیره مابین این نیروها پیش آمده و منجر به بیرون رفتن عده ای از آنها شد را باید در تضاد مابین جریانهای مختلف امپریالیستی جستجو نمود که در یک کوشش میکنند تا مواضع کلیدی در قدرت دولتی را بدست گرفته و آنرا در جهت منافع خویش بکار گیرند.

شرکت نیروهای سیاسی، چون اکثریت، توده، با توجه به ماهیت واقعی و مواضع سیاسی شان، در این است که از حداقل امکانات سیاسی برای بقا و فعالیت های سیاسی بهره مند شده و بدین ترتیب لازمه آن جمع شدن بگرد این جناح هاست.

همراه با این نمایش تلویزیونی، آن گروههایی که از مبارزه سیاسی و فعالیت سیاسی، جسور زدوبند و دلال بازی نیز دیگری نمی فهمند و به "ناحق" از جانب رژیم بعنوان گروههای سیاسی خطرناک شناخته شده اند، ناگهان جای خود را در این برنامه مضحک خالی میکنند. مانده میکنند، خائضین اکثریت و توده، چگونه از این امکان تبلیغاتی، استفاده میکنند، نظراتشان را بمیان مردم برده، و سیما" خود را مطرح می سازند.

از جمله این نیروها باید از "اقلیت" نام برد. "اقلیت" با دیدن برنامه تلویزیونی، احساس کرد که نرش بیگانه مانده است. "اقلیت" از مبارزه سیاسی کمونیستی، زدوبندهای سیاسی را مفهیم همین دلیل است که با دیدن برنامه تلویزیونی از خود سببرد، چرا ما نیز در این بازی سیاسی شرکت نکنیم؟ و از آنجائیکه میخواهد "انقلابی" باشد و بطور انقلابی با مسائل برخورد کند، پس بایستی راههای انقلابی پیدا کند، تا توده ها و نیروهای انقلابی، برداشت غلطی از حرکت او نکنند. اگر قرار است در اینچنین برنامه های تلویزیونی شرکت کند، طوری نباشد که بعداً بگویند مشکل "اکثریت" شده است. بنابراین نامه بلندبالائی برای مجلس ضد خلقی شورای اسلامی مینویسد و در آن هم به نعل میزند و هم به میخ. به توده ها می گوید که مدافع شما هستیم، حرف شما را میزنیم، از منافع شما دفاع میکنم، بنابراین در صف انقلاب قرار دارم و به رژیم نیز مینهاند کسه مخالفتی با تو ندارم حاکمیت تو را میپذیرم و سعی میکند با او بند و اندرز دهد (همان کاری را که اپورتونیستها در همه جهان میکنند) که بطرح تو است، فلان کار را نکنی، زیرا برای حاکمیت تو خطراتی پیش می آورد و در پایان نامه، نسبت واقعی خود را بیان میدارد. او از رژیم میخواهد که حاضر است در یک نمایش تلویزیونی این مسائل را با مردم در میان گذارد.

"اقلیت" مثل آن کبک مغرور می ماند که سرش را زیر برف کرده و تصور میکند کسی او را نمی بیند. استدلال "اقلیت" مبتنی بر درستی عمل او، بایستی بر این پایه استوار باشد، که ایمن نامه را برای مجلس می نویسد. نظراتش را بهرامون مسائل مختلف بیان میدارد و از آنها میخواهد "با توجه به اوضاع سیاسی کنونی و شرایط فوق العاده حساس جامعه باار دیگر نتایج و عواقب ناشی از تصویب چنین لایحه ای را به نمایندگان مجلس گوشزد کرده و آماده است تا با شرکت در یک مناظره و بحث رادیو تلویزیونی که بدون مانور بخش میگردد، حقایق را هرچه بیشتر با توده ها در میان گذارده و مواضع خود را توضیح دهد و از رادیو تلویزیون میخواهد که زمینه را برای برگزاری این بحث و مناظره فراهم کند". حال چنانچه موفق نشد تا رژیم را وادارد تا باین خواسته پاسخ مثبت دهد، اشکالی ندارد، زیرا خواهد گفت ما حرفمان را زدیم، نظراتمان را در نشریه ها و اعلامیه ها بیان داشتیم و نشان دادیم که رژیم علیه عم ادعایش برخورد غیردمکراتیک میکند. و اگر موفق شدیم، چه بهتر، میتوانیم از این وسیله تبلیغاتی در یک مقیاس وسیعی، استفاده کنیم.

در نزد مارکسیستها، وسیله هدف را توجیه نمی کند بلکه برای تحقق اهداف انقلابی و مابسیل انقلابی نیازمند است. این الفیای مارکسیسم - لنینیسم است. اما "اقلیت" اینرا نمیفهمد، زیرا بین پذیرش لفظی مارکسیسم، تا کاربرد عملی آن یک شکاف عمیق وجود دارد و نیروی قادر است این شکاف را پر کند که دارای مواضع انقلابی، شهادت انقلابی، پیگیری و آگاهی باشد. به نیروی عظیم و تاریخ ساز توده ها ایمان داشته باشد.

براستی "اقلیت" از بکارگیری این وسایل و شیوه های "مبارزه سیاسی" چه اهدافی را تعقیب می نماید، برای اینکه بتوانیم به ماهیت سبک کار "اقلیت" پی ببریم، خوب است اشاردهای سکه برداشتهای "اقلیت" و نیروهای سیاسی اپورتونیست دیگر، از کار سیاسی و مبارزه سیاسی

بنمائیم.

ایورنونیستیهای همچون "اقلیت" که خود را مارکسیست نیز می نامند، مبارزه سیاسی را بنا بر محتوای بورژوازی آن می بینند. مسئله اساسی آنها این است که در مبنای سیاسی جامعه، چگونه بتوانند جایی برای خود در محله سیاسی باز کنند، چگونه بتوانند موقعیت سیاسی بهتری کسب کنند و برای تحقق آن از هر وسطی که در دسترس آنها قرار گیرد، استفاده میکنند. زمانی با تزلزل بیرونی سیاسی وارد مذاکره میشوند. زمانی دیگر بر علیه آن حربه میگیرند. زمانی دست در دست بورژوازی بد سرکوب و فریب نموده ها می بردازند. زمانی دیگر که منافع شان اسباب میکند، ستام نموده ها با حاکمیت محنگ "لفظی" میبردارید. و بدینها چیزی که فکر نمیکنند این مسئله اساسی است: چگونه باید قدرت دولتی بورژوازی را سرنگون ساخت. چگونه باید نموده های وسیع مردم را در یک پیرانیک انقلابی فعال نموده و آنها را تربیت کرد و متشکل گردانید؟

"اقلیت" از رشد و گسترش مبارزات نموده های وحشت دارد. هر قدر مبارزه، اقدامات رادیکالتری را طلب میکند، بجهان اندازه "اقلیت" ماهیت واقعی خود را آشکارتر می سازد. برای "اقلیت" میدان اصلی مبارزه، طبقاتی، نه بر اساس بیرونی، یعنی خود این مبارزه، بلکه با تعاملات عملی او (که انعکاس منافع یک نیروی طبقاتی غیرپرولتری خواهد بود) تعیین میگردد. برای او آن عرصه ای میدان اصلی نبرد طبقاتی است که ساده تر و کم خطرتر باشد. نموده ها حضور نداشته باشد تا بدون حضور نموده ها و ستام نموده ها به زدو بندهای سیاسی بپردازد.

حضور او در میدان های حاد مبارزات طبقاتی همیشه خالی است و اگر هم سر و کله اش بیاید میشود، برکنارین استعدادش در این است که آنها را به سازش یا کسب بگتاند. با مسئله انقلاب و مبارزه انقلابی، از این زاویه برخورد نمی کند که بیرونی، مبارزه، انقلابی، اکنون در چه مرحله ای از رشد خود قرار دارد، چه مسائل عملی و نظری برای این جنبش مطرح است و باید در دستور کار انقلابیون قرار بگیرد، نیروهای متحد پرولتاریا چه کسانی هستند و چگونه باید آنها را حصول طیف، بهمانند مشکل ساخت، چه نیروهایی باید در این مرحله از مبارزه از بین بروند، و دشمن اصلی را چگونه باید نابود ساخت. چگونه و با چه اشکالی از سازمان و عمل انقلابی و در تحت چه شعارهایی باید اقدام نمود....

ایورنونیستیهای نظیر "اقلیت"، از منحصر کردن میدان واقعی مبارزه، طبقاتی، از شرکت در درگیری های حاد مبارزات طبقاتی، از گسترش دامنه مبارزات نموده های وحشت دارند، در حالی که کمیونتهای واقعی، همیشه مسئله شان است که چگونه باید دامنه و ابعاد مبارزات را گسترش داد چگونه باید برانگیزد و نیروی انقلابی را تعمیق بخشد. چگونه روحیه، فداکاری، ایثار، از حدود گذشتگی، مقاومت را در میان نموده ها تبلیغ و ترویج نمود و آنها را با این روحیه پرورش داد. چگونه دامنه، سطح، دشمن را محدود کرده و او را سرنگون ساخت. چگونه امکانات و وسائل مبارزه، طبقاتی را توسعه داد و....

همه آنها برای ایورنونیستها بیگانه هستند. آنها حتی جرات فکر کردن راجع به این مسائل را ندارند. "اقلیت" برای آنکه نیت واقعی او آشکار نشود، دوبلهو محبت میکند. مفاهیمی بکار میگیرد که میتواند جنبه نوع نمیر و تفسیر شود. هر جا ر با توجه به شرایط، آن محتوای خاصی می بخند. او سعی میکند، صریح صحبت نکند. و یک راه فرار برای خود باقی میگذارد. "اقلیت" تا بدیهالکی های "اقلیت" پس از خواندن نامه، اینطور استدلال کند، گرایشست راست، کوشش در مسائل حاکمیت، در "اقلیت" ظاهر نده است. اما ما که "اقلیت" را می نامیم، حرکت "اقلیت" را بهمانه، تظاهر آشکار ماهیت سازشکارانه و ایورنونیستی او در نظر میگیریم که "اقلیت" کوشش می کند آنها را بنهان بدارد اما روند عینی مبارزات خلق، بتدریج "اقلیت" را وامیدارد تا ماهیت واقعی خویش را برملا سازد. "اقلیت" زمانی مدعی بود که بتلاش مبارزه، خلق و حشر کمیونستی نبود که سراز این در حشره سری "کمیته، مرکزی ایورنونیست" باقی ماند، مسئولیت مبارزاتی حکم نکرد که مستقل و جدا از آن فعالیت سیاسی بپردازد. در آزمون بسیاری از گروهها (از موضع ایورنونیستی) از این عمل "اقلیت" استقبال کردند و باو تبریک گفتند. امروز مشاهده میکنیم که "اقلیت" نیز همان راهی را میروند که "اکثریت" تزلزل رفته بود.

هر چه زمان می گذرد، مبارزات مداوم رادیکالیستی خلق های سراسر میهنمان خواهان اقدامات رادیکال و انقلابی بر علیه حاکمیت و استبداد امپریالیسم است، و از آنجائیکه در جامعه ما

★ کردستان ★

سندج

کردستان قهرمان در آتش انقلاب می‌سوزد. کردستان قهرمان هر روز محنه جنایت‌های وحشیانه رژیم عدل‌خیزی است هر روز کردستان حماسه‌ای است و توده‌های غیور کرد همچنان آتشین و کوبنده بر علیه رژیم سرسپرده می‌جنگند و پوزه، این فریبکاران را بخاک می‌مالند. ارتجاج همچون مار زخمی از هر فرصت کوچک استفاده می‌کند تا زهر خود را بریزد و تلافی کند، اما با زهم با مقاومت سرخس‌خانه مردم مواجه می‌گردد. آری خلق کرد مقاومت می‌کند.

نیروهای سرکوبگر رژیم در دومین یورش مراسری وسیع خود با مقاومت دل‌اورانه خلق روسرو گردیدند که همچنان ادامه دارد. رژیم در شرایط کنونی تنها توانسته است نیروهای خود را در شهرهای کردستان مستقر ساخته و عملاً نتوانسته به مناطق روستایی نفوذ زیادی بنماید.

در جریان دومین سرکوب و تهاجم وحشیانه رژیم که از اوائل فروردین ماه ۵۹ شروع شد، همه شهرهای کردستان دست به مقاومت دلیرانه زدند. رژیم برای آنکه بتواند مقاومت پیشمرگان قهرمان خلق را که از حمایت وسیع و فعال توده‌های مردم برخوردار بودند و خودشان نیز در این مقاومت شرکت داشتند، درهم بشکند، بطرز جنون آمیزی شهرها را به توپ و خمپاره و راکت بست. در این بمباران‌ها، دهها نفر از مردم زحمتکش شهادت رسیدند. با این وجود، اکثر شهرها بیش از ۲۰ روز مقاومت نمودند و مدها نفر از نیروهای رژیم را کشتند.

بعد از آنکه رژیم در شهرها مستقر گردید، عملاً هیچگاه نتوانست کنترل آنها در دست‌داشتند باشد. رژیم زیر ضربات نظامی پیشمرگان است، توده‌های شهری بهر شیوه‌ای دست به اعتراض می‌زنند. در میان فعالیت‌های شهری، جنبش دانش‌آموزان بسیار چشمگیر است. و تا آن حد که رژیم تصمیم گرفت مدت‌سال تحصیلی را از ۹ ماه به ۴ ماه تقلیل دهد و حجم دروس را نیز فشرده نماید.

در مورخه ۶۰/۱/۱۷ دانش‌آموزان انقلابی دبیرستان شاپور سابق بمنظور تعویق امتحانات و باز شدن کلاسها بنا به دلایلی که در بالا ذکر شد در دبیرستان اجتماع کرده و به خواندن سرود و دادن شعار پرداختند و از رفتن به کلاس خودداری نمودند.

اهمیت این بویژه در اعتلای جنبش دانش‌آموزی سندج از زمان اشغال شهر توسط مزدوران و افشا، ماهیت کثیف توده‌ایها و اکثریتها بود. توده‌ایها و اکثریتها به انواع و اقسام حیلها سعی در بشکست رساندن حرکت نمودند و دست‌آخر اعلام کردند که این حرکت کار بختیاری‌ها است و فقط "ساواکیها" از شرکت در امتحانات خودداری می‌کنند. مدیر دبیرستان به نام قعدی که از رویرو شدن با دانش‌آموزان می‌هراسید، معلمین را جلو می‌فرستاد که بگویند آنها به کلاس بیایند. شعارهایی که دانش‌آموزان انقلابی می‌دادند عبارت بود از: "هرسزی جوشنی مقاومتی خالکی کورد" یعنی (پهروز باد جنبش مقاومت خلق کرد)، "بزی هیزی کریکار - با پروخه استعمار" یعنی (زنده باد کارگر - نابود باد استعمار) و "... سرمایه‌داری وابسته هرشتابریکار به‌دهسته" یعنی (سرمایه‌داری وابسته هنوز با براجاست) و اتحاد اتحاد - محلل اتحاد و... می‌دادند.

۶۰/۱/۲۲ - در این روز دانش‌آموزان جلوی دفتر نشستند و بدادن شعار و سرود خواندن پرداختند و اعلام نمودند که تا سلیمانی (رئیس آموزش و پرورش سندج) نیاید، تحصیلات ادامه ندارد. پس از نیم ساعت یکی از مسئولین تهران پس از مطلع شدن از جریان عنوان نمود "خواست شما منطقی است و من می‌روم تا خواسته را با سلیمانی در میان بگذارم". قعدی مزدور از سپاه مزدوران کمک می‌گیرد و پس از ۲۰ دقیقه ۲۰۰ الی ۳۰۰ پاسدار مسلح دبیرستان را محاصره کردند و گفتند که اگر تا ۵ دقیقه دیگر بیرون نروید همه شما را به سپاه می‌بریم" ولی دانش‌آموزان با دادن شعار خواسته آنان را رد کردند. مجدداً ۳ - بدستان از سپاه مزدوران کمک طلبیدند و پس از نیم ساعت

هر روزی خه بانئی چه کدارانه که ته دنیا ریگای گه یشتن به رزگاریه!

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!

بالاخره چپره، کتشف خود را آشکارا بنمایش گذاردند و وحشیانه با چوب و چماق و ساطوسوم و اسلحه‌هایشان بجان دانش‌آموزان افتادند و عده‌ای را نیز دستگیر کرده و همراه بردند و بدینسان دانش‌آموزان با شعار "مرگ بر آمریکا" "مرگ بر ارتجاع" متفرق شدند.

۶۰/۱/۲۳ - مادران و واستگان محملین محل ساواک سابق که اکنون نیز نیر زندانشان را زندانی کرده بودند، مراجع نمودند که بی‌سجده ماند.

۶۰/۱/۲۴ - اینبار مادران و خانواده‌ها به همراه دانش‌آموزان جلوی دبیرستان تحصن کرده و خواستار آزادی دستگیرشدگان گشتند. رئیس دبیرستان و پاسداران منافع آنها، وعده آزادی برآوردند ولی نتوانستند کسی آزاد نشد بلکه تعدادی هم مجدداً دستگیر شدند و معتزین را هم با نیر هواشی متفرق کردند.

پاسداران مزدور در روزهای بعد نیز مانع ورود مادران محملین زندانی به دبیرستان شدند. هنرستان صنعتی سنندج - بدنبال اجراج ۱۰ نفر از هنرجویان مبارز سال اول ساختمان گد سا اعتراض سایر هنرجویان مواجه شده بود، معاون هنرستان بدکلائی رفته و به آنان خواهش می‌کنند، هنرجویان شروع به اعتراض می‌کنند و بالاخره منجر به درگیری میان هنرجویان و معاون هنرستان می‌گردد.

۶۰/۱/۲۴ - هنرجویان به حیاظ آمده و شروع به خواندن سرود و شعارهای انقلابی کردند و بدین وسیله از دانش‌آموزان دبیرستان شاهپور و شاگردان اجراجی حمایت نمودند.

۶۰/۱/۲۵ - در این روز یکی از هنرجویان سال سوم را اجراج کردند. بدنبال آن وی جهت اعتراض به اطاق مدیر هنرستان رفت و موضوع اجراج را طرح کرد و بجای جواب با نوهین های مکرر مواجه گردید و هنگامی که دست به اعتراض می‌زند، مدیر به او حمله می‌کند و هنرجو جهت دفاع یک زیرسکاری را بطرف او پرتاب میکند و مدیر بلافاصله با یک چاقوی ماس دار بسوی او حمله‌ور می‌شود که معاونین جلوی او را می‌گیرند.

سنندج ★

در تاریخ یکشنبه ۳ فروردین عده‌ای از رفقای مبارز در خانواده، یکی از شهدا واقع در یکی از محله‌های شهر کرد آمدند تا خاطره، تابناک شهیدان جنبش مقاومت و شهید کاکایی را گرامسی بدارند. این مراسم درحالی برگزار شد که شهر قهرمان سنندج در زیر حلقان و فشار عظیم فسرار دارد. پاسداران و ارتش ضد خلقی بعد از حاکمیت سنگین خود بر شهر سنندج یک سال تمام است که با کوچکترین بهانه‌ای هرگونه حرکتی را شدت برکوب می‌کنند. پاسداران ضد خلقی هرروز کوشه‌ای از شهر، خیابانها و خانه‌های مسکونی را بعنوان پاکسازی بازدید می‌کنند. اکنون زندانهای پادگان و شهرانی مملو از زندانیان سیاسی است. شبها جاش‌های مزدور برای ایجاد رعب و وحشت از مقرهای خویش مبادرت به تیراندازی می‌کنند. آنان که شبها از وحشت حمله، پیشمرگان لحظه‌های آرامش ندارند در روز به ادبیت و آزار مردم می‌پردازند.

بهرحال فضای شهر سنندج آکنده از اختناق شدیدی است. اما دشمن بخيال خام خود می‌خواهد که از این طریق جنبش مقاومت را به زانو درآورد. غافل از آن است که جنبش امروز در خون و رک تمامی زحمتکشان خلق کرد می‌جوشد. در این فضای اختناق آمیز بود که رفقای ما برای تقویت روحیه، خانواده، شهدا و همچنین بیمان با خون سرخشان این مراسم را در زیر سرنیزه‌های پاسداران امیر-بالیمم به اجرا درآوردند. را، ۳ ساعت بعد از ظهر رفقای مبارز در خانه، این شهید خلق کرد آمدند در آغاز مراسم یکی از رفقا با سخنرانی کوتاهی بعد از تشریح فضای اختناق آمیز و شرایط حساس به تشریح اهداف تشکیل این برنامه پرداخت و اینچنین توضیح داد: شهر قهرمان در مدت مبارزه، طولانی خود راهی بس پرپیچ و خم گذرانده است. از فراز و نشیب‌های بزرگی گذشته. خلق ما در راه مبارزه، خود برای رهائی، دوستان و دشمنان خود را بیشتر شناخته است. سرکوب وحشیانه، رژیم هرگز حتی یک‌دوره در اراده، استوار خلقمان در راه رهائی تزلزلی ایجاد نمی‌کند. ما امروز کرد هم آمدیم تا ما گرامیداشت خاطره، نمایی شهدای جنبش مقاومت و درس‌گیری و تجربه‌اندوزی از راهشان بگویند یاد کنیم که راهشان را استوارتر از آنان و پرچم سرخ رهائی همچون آنان به دوش بکشیم و سنگرهایشان را خالی نکنیم.

هدف ما از تشکیل این برنامه، ایجاد روحیه، مقاومت در میان رفقای مبارز و همچنین آشنائی

همه، ما با مسائل جنبش خلق کرد و درک مسائل و حوادث ایران است.

بعد از سخنرانی کوتاه رفیق ، با بخش نوار دکتر شوآن و سرود "شهرتیب" برنامه آغاز شد . سپس مقاله‌ای توسط یکی از رفقا در باره "جنش مقاومت و همچنین زندگینامه رفیق شهید خوانسده شد در قسمتی از مقاله آمده است : اکنون دو سال است که کردستان انقلابی در زیر شدیدترین فشارهای نظامی - اقتصادی و سیاسی ، مبارزه توده‌ای و پرتوان خود را به پیش می‌برد . اکنون دو سال است که دستگاه‌های تسلطی رژیم وسیعترین و پرمه‌مندترین تسلیمات زهرآکین خود را علیه خلق کرد بکار بسته است . دو سال خلق کرد آماج حمله‌های هوایی ، بمباران روستاهای بی‌دفاع به نوبت در مناطق مکتونی در شهرها ، قتل عام‌های دهشتناک روستای قارنا ، صوفیان ، ایندرفاشه ، تلستان قرار گرفته است . اما خلق کرد همچنان پایدار و استوار در سنگر مقاومت به رزم سرخ خود ادامه می‌دهد . رژیم تمام توان خود را بکار بسته است تا از هر طریقی که ممکن است مسئله کردستان را با نامهای صدامتلاش ، وابسته به بعث و آمریکائی وارونه جلوه دهد تا شاید بتواند خورشید حقیقت را برای مدتی کوتاه در پس‌ایرهای عوام‌فریبی نگه دارد اما در درازمدت ، آتش حقیقت کماخ بتم دشمنان خلق را خواهد سوزاند .

سپس رفیق در اشاره به جنش مقاومت گفت : اولین نطفه جنش در شهر سقز با مقاومت دلیرانه مردم در مقابل ارتش بسته شد . و از آن لحظه تا بدامروز جنش مقاومت با سرخستی هرچه بیشتر در میان توده‌های روستائی و شهری کردستان بسط و توسعه یافته است و هر روز زحمتکشان بیشتر به صفوف پیشمرگان می‌پیوندند . دیگر رژیم امروز با سازمان یا گروه خاصی طرف نیست بلکه او با خلقی مسلح و متحد روبروست . خلق کرد در مدت دو سال مقاومت خود بهترین و دلیرترین فرزندان خود را از دست داده است . بسیاری از شهرها ویران شده است ، اما خلق کرد همچنان خستگی ناپذیر به مبارزه ادامه می‌دهد . رفیق در اشاره به زندگینامه شهید چنین گفت : او در یک خانواده زحمتکش چشم جهان گشود و از همان اوائل کودکی فقر و استعمار طبقاتی را با گوشت و پوست خود احساس کرد . او به علت فقر مادی نتوانست به تحصیل ادامه دهد و یک کارگر زحمتکش شد . او در ایام جوانی با تلاش بسیار آگاهی خود را ارتقا می‌داد . او قلبی سرشار از عشق و محبت نسبت به زحمتکشان و آتش‌کینه‌ای بی‌شمیق و بزرگ به دشمنان خلق داشت .

در هنگام اوج گیری مبارزات خلق‌های ایران علیه رژیم شاه این رفیق کارگر در سازماندهی تظاهرات ، تحصن‌ها و میتینگ‌ها نقش ارزنده‌ای داشت . بعد از به انحراف کشیدن قیام ۲۲ بهمن توسط حاکمان جدید و ادامه طغنه امپریالیسم ، کردستان سنگری علیه حاکمیت امپریالیستی شد . رفیق کارگر در دور اول جنش مقاومت با رفقایش در سازماندهی جنش دانش‌آموزی در شهر سنندج و براه انداختن تظاهرات نقش بسزائی داشت . او همواره در تلافی خستگی ناپذیر پیشمرگان در گوه یاری میداد ، تا اینکه پیشمرگان پیروز به شهرها برگشتند و او به صفوف پیشمرگان پیوست و در یکی از بنکدهای شهر به فعالیت پرداخت . رفیق شهید شب و روز با رنج بسیار به دوستان خود آگاهی سیاسی میداد او بسیار ساده و بی‌پیرایه بود و بزرگترین خصلت یک انقلابی که صداقت است در وجود او تبلور داشت . او همیشه صادق بود و بد دوستانش صداقت را می‌آموخت . این رفیق کارگر در آموزش رزمی فعالانه دوستانش را یاری می‌نمود . او بد رفقایش آموخت که چگونه با کینه‌های عظیم در برابر دشمنان طبقه کارگر استادکی کنیم . او بد رفقایش آموخت که در راه مبارزه باید خستگی ناپذیر بود . در بهار سال ۵۹ ارتش و پاسداران یورش وحشیانه خود را علیه خلق کرد آغاز کردند و شهر سنندج بار دیگر مورد حمله قرار گرفت و مردم به کمک پیشمرگان هر خیابان و کوچه‌ای را سنگر ساختند تا مقاومت کنند . بعدت ۲۵ روز شهر سنندج زیر آماج شدیدترین حمله‌های هوایی و زمینی بود . باران توپها و خمپاره‌ها بر سر شهر سنندج باریدن گرفت و رفیق کارگر ۲۵ روز در سنگر مقاومت جنگید و در یکی از درگیریها شهادت رسید . اما رفقایش استوارتر سیکرش را پر کردند و تنگش را برداشتند و آتش‌کینه و خشم او را فروزانتر از او بر سر دشمن فرو ریختند .

در پایان رفیق با اشاره به نقش مبارزه مسلحانه و سازماندهی مسلح توده‌ها بعنوان تنها راه رهائی خلق از یوغ طغنه امپریالیسم برنامه را به پایان رساند .

زنده باد خلقی رزمنده کرده که برای آزادی مبارزه می‌کند

چرا مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی خانه‌های زحمتکشان را ویران میکنند؟

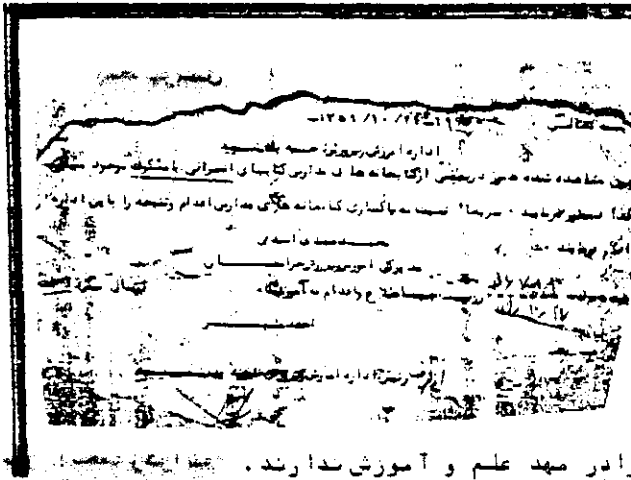
در مورخه ۶۰/۲/۲ مزدوران رژیم ضد خلقی (بنیاد مستضعفین) بدون اینکه این جنایت خود را "فلا" اعلام کرده باشند، به خانه‌های زحمتکشان واقع در "محوآباد" حمله کرده و در حدود ۳۰ خانه از این خانه‌ها را که زحمتکشان با قرض و خون دل خود و با حداقل امکانات ساخته بودند، بر سرشان خراب میکنند و به زحمتکشان میگویند اگر اعتراض کنید حکم تیر داریم و در این میان وقتی مردم جمع میشوند با زور اسلحه و با تیراندازی به این سیاست امپریالیستی خود که همانا ادامه سیاست محمدرشاه جلاد میباشد، ادامه عمل پو شانند و هر چه بیشتر برای توده‌های زحمتکش ما بی محتوا بودن و بوج بودن تالیفاتهای ضد خلقی خود را عملاً اثبات نمودند غافل از اینکه مبارزات و مقاومت اوج یافته، توده‌ها این اجازه را به هیچ تک زنجیری امپریالیسم نداده و به اینها هم نخواهد داد و آرزوی سال "استقرار قانون امپریالیستی" را بوسیله سرکوب به بیروی از اجساد خون آشانان که خواهان "جزیره ثبات" برای امپریالیسم بودند، سکور خواهند برد. اما توده‌های زحمتکش در مقابل اعمال ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی میگفتند که رژیم از رادیو همیشه اعلام میکند که این آخرین پیام و آخرین قیام است ولی ما به رژیم میگوئیم قیام و پیام رهائی ما در جسر است.

توده‌های مبارز زحمتکش!

این رژیم بنا به ماهیت امپریالیستی‌اش نمیتواند جوابگوی خواسته‌های شما زحمتکشان باشد. و این نوکران امپریالیسم فقط با تیرنگ و سرکوب جواب خواسته‌های برحق شما را خواهند داد. زیرا آنچه که اینها در پی متحقق کردن آن هستند هدفهای نوم امپریالیسم است که این هدفها هم جز خانه خرابی و بدبختی و گرسنگی و شیره جیز دیگری بسیار نخواهد آورد. شما فقط و فقط با مبارزه و مقاومت و تعرض انقلابی میتوانید این بقدرت رسیدگان را به عقب نشینی مجبور سازید. ولی ایسن مبارزه و مقاومت وقتی میتواند بنحو احسن مؤثر واقع شوند که در ارتباط با مبارزه، ملحقانه باشد و زحمتکشان ایران تنها با عملی ساختن رهنمودهای پیشاهنگان واقعی‌شان یعنی "جریکهای فدائی خلق ایران" میتوانند بدین ظلم و اجافتها که زائیده، روابط امپریالیستی است، خاتمه داده و در جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر به خواسته‌های برحق خود برسند.

سرگ سر سرکوبگران خلق
 زنده باد مبارزه، ملحقانه که تنها راه رسیدن به آزادی است!
 سرگ سر امپریالیسم و سگهای زنجیربیشش
 برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

هواداران "جریکهای فدائی خلق ایران" - تبریز - ۶۰/۲/۱۳



رژیم وابسته، جمهوری اسلامی ادعا میکند که ما آزادی میدهم و بحث آزاد و... برگزار میکنیم که توده‌ها خود آزادانه قضاوت کنند. اما از آنجائی که شیوه دیگری بعیر از دیکتاتوری درمقام اینان یافت نمی‌شود، ناچارند که افکار را هم سانسور کنند. حضرات فقط بدین علت حاضر به نشست و گفتگو با نیروهای خائنی جسون "اکثریت" و "حزب توده" هستند که آنها لب به "تعریف و تمجید" از حکومت فاشیستی گشوده‌اند. طبق سندی که در زیر آورده شده حضرات چشم دیدن کتابهای "انحرافی" و "مشکوک" را در مهد علم و آموزش ندارند.

سازمان حفاظت محیط زیست در خدمت چه کسی است؟

در حالیکه هر روزه مردم شور و زحمتش میمان زهر تازیانه، پیمان نذر و تنگدستی به دلایل کوناگونی از حمله سیکاری، اخراج و اخیراً جنگ خانمانسوز لکدکوب مینوسد و در حالیکه روستائیان زحمتکش میمان از عدم وجود بهداشت و درمان صحیح بدلیل اشاعه بیماری‌های کوناگونی از جمله، "وما"، "تب مالت" و... و عدم جلوگیری دولت حاشی منافع امپریالیسم از شیوع این بیماریها رنج میبرند و بارها و بارها از مراجع کل و غرضه درخواست رسیدگی نموده‌اند که هیچکدام راه به حاشی نبرده و در حالیکه تعداد سستا" زیادی از هموطنان زحمتکشمان با وجود داشتن یک آلونک که سترای در آن سر رسانند و روز بدنار بدبختی‌های خود بیرونند به بیامانها پناه برده‌اند ولیکن هسان چهار دیواری را نیز بر سرشان با سولدورر خراب کرده‌اند و بیم دکدداران نیز فراموش نشود که بخاطر سیکاری به این شغل بی‌ثبات روی آورده‌اند و هر روز می‌بایست با ژ ۳ دستان حکومتی و جماداران حزبی قلندر و... بخاطر یک لقمه نان دست و پنجه نرم کنند و در حالیکه میادان بندر انزلی بخاطر عدم مید "قانونی" کلولدیاران می‌شوند و در حالیکه... سازمانی بنام "حفاظت محیط زیست" تدعیم کرده است و خود را حافظ "محیط زیست" قلمدار می‌کند اما اشتباه نکنید حفاظت در لفظ اینان بمعنی حفاظت "محیط زیست" از دسترس مردم فقیری است که هیچگونه منبع درآمدی بخیراز استفاده از منابع طبیعی همچون دریاها، جنگلیها و... ندارند.

برای اینکه با این سازمان بیشتر آشنا شوید، اشاره میکنم به جلسه مورخ ۱۳۵۹/۸/۵ که بدعوت اداره کل حفاظت محیط زیست کیلان صورت گرفته بود و عنوان نمودند که "... از عمسسه مشکلات موجود این اداره کل وجود انواع توره‌های هوایی بوده که توسط متخلفین و مرتکبین شکار و صید در سطح تالاب انزلی و مزارع و عسره کار گذاشته می‌شود که این عمل صدمات و لطمات جبران ناپذیری بر جمعیت حیات وحش استان که از ذخائر قابل توجه محسوب می‌گردد وارد می‌سازد....." (مورخ جلسه ۱۳۵۹/۸/۵). برای خواندن حملات بالا این مطلب به خواننده القاء میشود که گویا ایشان برای "جمعیت حیات وحش" اهمیت فراوانی قائل بوده و مایل به "حفظ" آن می‌باشند اما در دنباله متن می‌خوانیم "... هر ساله طبق آگهی از طریق اداره کل طبق ضوابط سازمان متنوع با رعایت مقررات قانون شکار و صید آسندانیای مورد بحث از طریق مزاییده با جاره واگذار می‌گردید و جوه حامله از درآمد اجاره آسندانیها که قابل توجه برده، مستقیماً به حساب دولت واریز می‌شده...." بالاخره خودشان اعتراف کردند که مشکل اجاره بیجا است و روی همین اصل در دنباله آمده "... در حالیکه کلبه آسندانیها و سایر مناطق مخصوصاً سطح تالاب انزلی توسط عده‌ای بمساحت چندین کیلوس متر با توره‌های و سایر اسباب و ابزار غیرمجاز در اختیار گرفته شده و بهره‌برداری غیرمجاز می‌گردد". از نظر آقایان "بهره‌برداری غیر مجاز"، "لطمات جبران ناپذیری" به "جمعیت حیات وحش" وارد می‌سازد یعنی صید یا شکارچی فقیری که از روی ناچارى دست به شکار و مید می‌زند و قادر به برداختن اجاره آسندانیای قابل توجه نیست، صید یا شکار "غیرمجاز" می‌کند ولی آن سرمایه‌داری که برای تفریح و ساعتی صید به منطقه می‌آید صید "مجاز" می‌کند چرا که قادر به پرداخت اجاره بها می‌باشد و در اینجا تنها چیزی که مد نظر حضرات دلسوز "جمعیت حیات وحش" نیست، فقر و تنگدستی صادان یا شکارچیان مذکور است و حق بهره‌برداری "مجاز" در ازای پرداخت تاج سیل میسر می‌گردد و در غیر اینصورت با صدور انواع و اقسام احکام فدمردمی از این "بهره‌برداری غیرمجاز" جلوگیری می‌نمایند. "... چنانچه عده‌ای از فرست طلبان در این برهه از زمان نتوانند خود را با انقلاب وفق دهند توسط پرسنل گارد محیط زیست و سایر ارگانهای اجرائی و انقلابی تحت پیگرد قسرار می‌گیرند" (جلسه، مورخه ۱۳۵۹/۸/۵) و کاملاً آگاهند که زحمتکشان در مقابل زورکونی هاشی کسه می‌کنند، ایستادگی خواهند کرد و برای سرکوسی آنان (زحمتکشان) از دولت کسب "اجازه" مینمایند و همانطور که خود می‌فرمایند "... و چون با کماری مناطق و شکارگاها از عناصر ضد انقلاب و جمع آوری اسباب و آلات تحلف آنها احتمالاً منجر بدرگیری شدید خواهد بود لذا در اینخصوص از مقامات استان تقاضای تشکیل جلسه، متشکلده را شموده و در اینخصوص از معاونت عمرانی استان کسب "نظر نمود". زهی سیرمی!

براستی انسان کیستند که خود را در سرمایه‌سازند و چه کسی حاکمیت را به این دردان بول و سرمایه‌برده‌های زحمتکش تفرس می‌شود. است. در امور فرور و صید ماهی نیز دست انداخته‌اند و کاملاً اعصارگروان ما هسان را خم مندلج می‌نمود می‌دانند. در جلسه مورخه ۱۳۵۹/۱۲/۱۳ موجب

دعوت فرمانداری لاهیجان در شماره کنترل صید ماهی و جلوگیری از خروج ماهی از منطقه و نظارت بر نحوه فروش از ارگانهای سرکوبشتری مانند "ژاندارمری" و "شهرداری" و "سپاه پاسداران" سرزای همکاری دعوت نموده اند و دست به کنترل جاده ها زده اند. در این بین شلات را نیز فراموش نکرده و از امکانات آن سازمان نیز برای دستیابی منظور بلند خود بهره برداری کرده اند و حالت نوحه است که "شرکت تعاونی" هم با این واحد همکاری دارد و مبادان میبایست ماهیان میدخته را تحویل این شرکت داده و با محتاج خود را دریافت دارند، یعنی در آرای ماهی بولی نمی بردارند بلکه با کالا عوض می کنند در این بین هم ماهی کثیر اینبیا آمده و هم مشتری برای فروش کالاهای خود یافته اند.

روشن است که "سازمان حفاظت محیط زیست" از کانی است که با همکاری ارگانهای سرکوبگر و شرکتیهای تعاونی و شلات و... به چهارل مسافه زمینگشان برداخته و کنترل خرید و فروش ذخایر موجود در طبیعت را بزور دست خود گرفته اند و به حق باید آنان را سازمان حفاظت محیط زیست از دسترسی زمینگشان نامید.

از آنجائی که "سازمان حفاظت محیط زیست" یک ارگان سرزای است و همانند قارچ هر جا که جاندار، درختی، آب و غلغی باشد، می رود، دست نیست سری هم به استان فارس بزیم و از خدمات این سازمان در آنجا هم تحلیل بگیریم! در ماهنامه "اداره" کل حفاظت محیط... فارس "مورخه" شهریور ۵۹ طی مصاحبه ای با سرپرست اداره کل حفاظت... فارس ایشان در رابطه با صنایع آلوده کننده، رودخانه، جنگ مرکز شهر میباید که به سبب فاضلابهای تصفیه نشده و واحدهای صنعتی و تولیدی و بیمارستانی و همچنین نخله فاضلابهای سارل هموار در آن، این رودخانه سمورت یک کانسال فاضلاب در شهر شیراز در آمده و... همچنین یکی از صنایع آلوده کننده، هوای شیراز، کارخانه، سیمان است که به کرد و غبار بافی در آسمان شیراز ادامه میدهد و... رودخانه، کر به سبب ورود فاضلاب چند واحد صنعتی و تولیدی از جمله مجتمع پتروشیمی و مجتمع گوشت و مقداری بیاب مسزارغ کشاورزی، اغلب همه ساله شاهد مرگ و میر ماهیان فراوانی هستیم. "حتما خواننده به این اشتهاء دچار میشود که جناب سرپرست راه و جل های ریادی را در این رابطه آزمایش کرده اند و مثلا هنوز مشمول تحقیق و بررسی پیرامون این مسئله هستند که از مرگ و میر ماهیان که حشرات خود را حامیان آنها می دانند، جلوگیری کنند، ولی جناب آقای "ده بزرگ" (سرپرست اداره کل... فارس) در دنباله میفرایند "سبب وضعیت کنونی سببک و کمبود نیازمندیهای کشور، فعلا نه می توانیم و نه بملاح میباید که مانع کار و فعالیت این واحدها بشویم" واقعا که چه رهنمود زی قیمتی! این آقایان جداگانه هستند. استان که میفرمایند "فعلا" بملاح نیست مانع کار و فعالیت این واحدها بشویم". اکنون به این نتیجه رسیدیم که ایشان سرپرست اداره کل... "حفاظت محیط زیست استان فارس" به همین شکل بدون اینکه به ترکیب آلودگی محیط زیست و... دست بزنند، میبایستند و همانطور که در سخنان کوهنار خود فرموده اند: علی رغم اینکه هوای آلوده... برای سلامتی شهروندان شیرازی مضر است و آلودگی آب باعث... مرگ و میر ماهیان فراوانی... می شود محیط زیست باید همین گونه باقی بماند زیرا که "فعلا" بملاح نیست مانع از کار و فعالیت این واحدها بشویم... آری! تنها مسئله ای که برای حضرات ارزش ندارد "محیط زیست" است. اما جناب "سرپرست اداره کل" حفاظت محیط زیست ایران" سخنان سودمند خود را به پیشینجا ختم نکرده و راجع به "حفظ جنگل" هم مطالبی را مطرح میسازند که: "حفاظت از جنگلها باید با برنامه ریزی توأم باشد و از جمله این برنامه ریزی، برنامه ریزی برای سوخت رسانی به روستاهاست. "علت را هم در این می دانند که... اهالی روستاهای ما وقتی نتوانند از سوخت کار و زندگی استفاده کنند الزاما" مجبورند برای سوخت از جنگل استفاده کنند و ایشان متقاعدند که اگر اینکار بعضی سوخت رسانی انجام شود، ۹۵٪ از سوخت جنگل از میان خواهد رفت. اما مطلب دیگری در این صفحه خط نوحه می کند از فرار... بموجب بخشنامه ای صادره از سوی "سازمان حفاظت... ۲۱۴ نفر جنگلستان و ۲ نفر کارمند دسترسی سرچنگلکاری فارس به "اداره کل... فارس" انتقال یافته اند و... یادآور می شود که سارل حفاظتی جنگلها و مراغ با اتفاق ما، مورین محیط زیست مشترکا" وظیفه حفاظت از طبیعت را انجام خواهند داد. بلی این برنامه ریزی است که "سازمان حفاظت محیط زیست" برای اهالی طراحی کرده است که پعدا" جنبه، "مثبت" این برنامه را نشان خواهیم داد. واقعا که خیلی به امر "حفاظت" قبیه در صفحه ۱۶

تهران روز یکشنبه سوم خرداد، دانش آموزان جشن ۱۹ بهمن تهران، در رابطه با سالروز شهادت رفقای کبیر امیرویز بویان، پیرو ندیری و مادی نژاد مراسمی در محل دکه خیابان مصدق تقاطع خیابان فاطمی برپا داشتند.

طنی این مراسم سرود خوانده شد و سخن های رفقای شهید درمعرض دید مردم قرار گرفت و پس منتهی در همین رابطه برای مردم خوانده شد. این مراسم با استقبال مردم رهگذر مواج گشت. قسمتی از اعلامیه شرح زیر است:

"... ما خاطره رفقا را در زمانی گرامی میداریم که از طرفی ارکانیای سرکوب حاکمیت وابسته به امپریالیسم جبری اسلامی یعنی ارتش و پاسداران، دست به یورش وحشیانه و همه جانبه بر علیه خلقهای فیلمان ایران بخصوص خلق دلسر کرد زده اند و از طرف دیگر هزینه های جنگ غیر عادلانه ایران و عراق که بر اساس نقشه های امپریالیسم طرح ریزی شده، کمر زحمتکشان میهنمان را خرد کرده است و در این میان به "توده های" خود فروخته و "اکثریت های" خائن با اتخاذ شیوه های گریختگی و چاپلوسی در مقابل حاکمیت مدخلی و به نمایش در آوردن این شیوه، سعی در منحرف کردن مبارزات مردم ما از سمت اصلی خود داشتند و تلاش میبردند تا این مبارزات را در چهارچوب مبارزات به اصطلاح قانونی محصور نگهدارند..."

دانش آموزان شجاع ۱۹ بهمن تهران بار دیگر به فالانژها نشان دادند که حمله آنها را نه با دفاع بلکه با حمله پاسخ خواهند داد. جریان حوادث چند روزه که در یکی از دکه های فروش نشریات جریکهای فدائی خلق ایران اتفاق افتاد از این قرار است:

روز پنجم ۲۱ اردیبهشت دستهای از اوباشان به دکه واقع در تقاطع خیابان مصدق و فاطمی حمله کردند اما این دست از دانش آموزان کتک مغفلی خوردند. متعاقب این جریان حملات روزهای شنبه و یکشنبه هم با مقاومت و حمله متقابل دانش آموزان ۱۹ بهمن مواج گشت که در این جریانات هم، فالانژها کتک خورده، فرار را بر قرار ترجیح دادند. تا اینکه در روز دوشنبه ۴ خرداد اوباشان در حدود ۲۰۰ نفر از سپاهتشی هایشان را بسیج و غافلگیرانه به دکه حمله میکنند. در اینجا شیوه

نصفه در صفحه ۱۲

زحمتکشان ما خوب بخاطر دارند که چگونه هم
 جناح بنی صدر و هم جناح حزب
 جمهوری اسلامی برسروکشتر و سرکوب
 خلق رزمندگردد و به توافق رسیدند.
 آنها هیچگاه در ماهیت سرکوب اختلاف نظر
 ندارند، بلکه در شیوه سرکوب است که اختلاف
 سلیقه دارند.
 مرگ بر فریبکاران و دغلفکاران
 پیش بسوی سازماندهی مسلح توده ها
 هواداران سرکوب در ایران - اردیبهشت

گزارشی از شرکت ملی حفاری ایران - اهواز

۶۰/۲/۲ - کارگران حفاری مستقر در ستاد مسجد سلیمان برای اطلاع از پیام انجمن اسلامی سنی بر شرکت در نماز جماعت و استماع سخنرانی "شماسی" (مدیر عامل شرکت ملی حفاری) به مرکز شرکت واقع در اهواز (شرکت سولیمان سابق) رفتند. برای اتمام نماز که تعداد زیادی از کارگران با توجه به شناختی که از ماهیت انجمن اسلامی داشتند در آن شرکت نکردند "شماسی" سخنرانی خود را آغاز کرد و در ضمن آن شوراها را مسئول نابسامانی های شرکت دانست و گفت: "از آنجائی که صنعت حفاری صنعت مادر است به شورا احتیاج ندارد و باید هیئت وزیران آنرا تصویب کنند". و در ادامه، کارگران را تهدید کرد که چنانچه عملیات حفاری را شروع نکنند حقوق آنها قطع خواهد شد (با توجه باینکه جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق باعث راکد ماندن عملیات حفاری می باشد و تعدادی از دکلها در منطقه دهلران در مرز ایران و عراق در منطقه جنگی هستند). کارگران به این امر اعتراض کردند و ایشان در دنباله فرمودند که فداانقلاب در میان کارگرانی که در اینجا جمع شده اند نفوذ کرده و دست به تحریک میزند و بالاخره اعتراضات مکرر باعث تسریک میکروفون توسط "شماسی" گردید و با اکران گفت که خود شما بیاید حرف بزنید! سپس چندین نفر از کارگران به ترتیب ضمن طرح سوالانی راجع به مسائل شرکت و برشمردن مشکلات شرکت، سخنان "مدیر عامل" را محکوم کرده و مسئول نابسامانی ها را هیئت مدیره و مدیر عامل دانستند. یکی از کارگران به مساعدهای به مبلغ ۱۰۰۰۰ تومان برای کارمندان اطراف مدیر عامل و هیئت مدیره اعتراض کرد و گفت: "چرا به دیگر کارگران بخصوص کارگران جنگ زده و تهرستانی که در عملیات حفاری کار می کنند این چنین مساعدهای پرداخت نمی شود؟".

توضیح اینکه کارگران بصورت علی الحساب حقوق میگیرند. یکی از اعضای انجمن اسلامی بلافاصله گفت که "شماسی" می خواهد صحبت کند و "شماسی" از پشت میکروفون گفت که: "چون دولت بولی ندارد و شرایط جنگی است مقدور به این نخواهد بود که بولی به کسی بدهد". و ادامه سخنانش را با مسائل بی اهمیت گذراند که با اعتراض و هجوم کارگران بطرف وی مواجه گردید و از فرط خشم در مقابل خشم کارگران پا به فرار گذارده و شرکت را ترک نمود. در روز بعد که روز مساعده بسود، هیئت مدیره و مدیر عامل تهدید نظر کردند.

توضیح اینکه انجمن اسلامی سخنان کارگران را ضبط کرده بود تا بدقول خودشان آنها را شناسائی کنند.

***** * * * * *

رفقای کارگر هوادار چریکهای فدائی خلق ایران در مسجد سلیمان به مناسبت بزرگداشت اول ماه مه اعلامیه ای داده اند که قسمتهائی از آن در زیر می آید:

"... ما کارگران در تمامی دنیا یک دشمن مشترک داریم که سرمایه دارانند و در هر نقطه ای که بسر می بریم با هم برادر و هم سرنوشت هستیم و ما باید مرزهای کنوری را که بین ما فاصله می اندازند از میان برداریم و بدانیم که تنها یک میهن وجود دارد و آن متعلق به همه ماست و این مرزبندی کنوری ساخته استمارگران است.

دوستان کارگر! امسال جشن این روز بزرگ را در شرایطی برگزار می کنیم که بیش از ۲ میلیون بیکار در سراسر ایران وجود دارد و روز بروز سر تعداد آنها افزوده می شود و حکام جمهوری اسلامی نسبت به وضعشان بی تفاوت هستند و هر حرکتی را بدنوان صفت یا "انقلاب" تلقی می کنند. همانطور که اطلاع دارید بسیاری از کارگران شهرمان مسجد سلیمان بعلت نبودن کار با توجه به هزینه سه کمترین زندگی مجبور به روی آوردن به نطفه های کاذب از جمله دکه داری که طی ماههای گذشته حاکمیت جمهوری اسلامی توسط یکی از ارگانهای سرکوبش (سپاه پاسداران) دکه های بسیاری را جمع آوری کرده و عده ای را مورد ضرب و شتم قرار داده...".

رفقای کارگر! امروز بار اس رسالت بر دوش ماست که با مبارزه و فشار انقلابی بر حکام وابسته ایران و عراق و نیز حمایت از فرزندان انقلابی خلق در جهت سرنگونی حکومت های وابسته، دو کشور بکوشیم. کارگران مبارز بکوشیم تا جنگ ارتجاعی دولتهای وابسته به امپریالیسم ایران و عراق را به جنگ عادلانه سرغیبه حافظین سیستم سرمایه داری وابسته تبدیل کنیم. و این مهم تنها مستلزم اتحاد، همبستگی و یکپارچگی کارگران و انقلابیون هر دو کشور است.

مستحکم باد پیوند کارگران با چریکهای فدائی خلق ایران

نظری برجیت سازی به شهر *

این کارخانه در سال ۱۳۲۰ بوسلک، دولت آلمان غربی در ایران ساخته شد و دارای ۱۷۰۰ نفر کارگر است که در سه شیفت کار می کنند. قبل از قیام ۲۲ بهمن کارگران بخاطر وضع بد حقوق و مزایا در سال ۶۶ اولین و بزرگترین اعتصاب را کردند که ۵۶ روز طول کشید، و سرانجام بعد از قیام ۲۲ بهمن کارگران به سرکارهای خود بازگشتند. لازم به توضیح است که اوایل بعد از قیام مقدار بارجدای که در ۲۴ ساعت در این کارخانه تولید میشد، ۹۰۰۰۰ متر بود، بعد از مدتی این مقدار به ۶۰۰۰۰ متر رسید و هم اکنون بین ۳۰ تا ۴۰ هزار متر تولید میشود. این کم کاری بخاطر فشار بی حد هزینه های زندگی و همچنین بی بردن کارگران به ماهیت رژیم و استبداد امپریالیسم و انجمن های اسلامی و مدیران وابستدای همچون مهندس شرف از عوامل رژیم گذشته (شهردار سابق به شهر) می باشد.


انجمن های اسلامی، این گانهای ترطه علیه کارگران و زحمتکشان تاکنون چندین تـن از کارگران مبارز و انقلابی را که اعتصابات کارگران را در رژیم گذشته رهبری و سازماندهی میکردند بدیهانه، بوج ساواکی و کم کاری از کارخانه اخراج کردند.

همچنین تعداد ۸۰۰ کارگر بازنشسته شدند که برطبق طبقه بندی، آنها باید سالی ۱۵ روز مقدار پولی که نسبت به کار آنها بایستی داده میشد یعنی بین هشتاد تا صد هزار تومان و چون مدیر عامل از دادن این پول خودداری کرد، توسط کارگران به گروگان گرفته شد و آنها مجبور شدند مبلغ ۱۶۰۰۰۰۰ ریال را در سه نوبت به کارگران بپردازند که نوبت اول ۸۰۰۰۰۰ ریال و نوبت دوم ۴۰۰۰۰۰ ریال به آنها پرداخت کردند ولی بقیه پول را هنوز نپرداخته اند.

توکلی نماینده، دروغین مردم به شهر طی یک سخنرانی در همین کارخانه گفت: "قبلا به شما باج میدادند و ما نمیدهم و بخاطر این است که تولید کارخانه پائین آمده است..." و دیگر اینکه "ما به شما (کارگران) سود نخواهیم داد" که کارگران هم با هو و فریاد کردن جواب دندان شکنی به او دادند. بدنبال این مسائل دیگر ماهیت کثیف انجمنهای اسلامی که در دفاع از منافع سرمایه داران وابستده هر توطئه ای دست زده و کارگران مبارز را به اتهام واسکی به گروههای سیاسی از کار برکنار می کنند، برای مردم مبارز به شهر آشکار شده و نفرت و انزجارشان را نسبت به این ارگانهای توطه علیه زحمتکشان برانگیخته است.



همانطور که بارها و بارها شاهد بوده ایم عوامل سرسپرده، رژیم منحوس آریامهیری، اکنون تفسیر چهره داده اند و زیر پرچم "اسلام" و تحت رهبری "امام و امت" مشغول خیانت به خلق می باشند. آقای کیاشی معاون فعلی منطقه ۱۳ (آموزش و پرورش) نیز یکی از همین سینه جاکان سابق و نوریستی های فعلی است که مورد لطف و عنایت دولت وقت قرار گرفته و نماینده "امام و امت" و پیش نماز می باشد. سند زیر گویای ماهیت این مرد خودفروخته می باشد.



وزارت آموزش و پرورش
دفتر کل آموزش و پرورش تهران

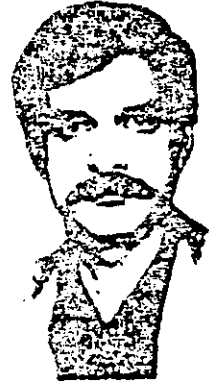
۱۳۱۲

معاون آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران

آقای کیاشی

بفید از صفحه ۱۰
رفتای دانش آموز به مقاومت و مقابله می -
پردازند که طی آن فالانژها بدتن از دانش -
آوزان ۱۹ بهمن را ضرب چاقو محسوس -
میکنند.

این نامه آقای کیاشی، بهرمانند و بهمانند است که در تاریخ ۱۳۱۲/۱۲/۱۲
به اداره آموزش و پرورش منطقه ۱۳ تهران ارسال شده است.
تاریخ: ۱۳۱۲/۱۲/۱۲



با خون تو صیقل میدهیم خنجر انتقام را!



در یک پورش شبانه سه کی از خانه های نسبی چریکهای فدائی خلق، پاسداران مزدور موفق شدند که چریک فدائی خلق، رفیق اسماعیل هادیان را دستگیر کنند. قریب ۲ پاسدار در این حمله شرکت داشتند. آنها تمام وسایل خانه را بهیفا بردند. در این حمله، چند قبضه اسلحه و یک دستگاه ماشین افست نیز بدست پاسداران افتاد.

رفیق اسماعیل هادیان بلافاصله پس از دستگیری، زیر شکنجه های سخت قرار گرفت و سرانجام بدون آنکه کلامی بر لب آورد، در زیر شکنجه های وحشیانه مزدوران امپریالیسم به شهادت رسید. رژیم ادعا میکند که چریک فدائی خلق، رفیق شهید اسماعیل هادیان در طول زندان دست به خودکشی زده است، اما آثار شکنجه بر روی بدن رفیق، آشکارتر از آنست که رژیم مزدور جمهوری اسلامی بتواند حقیقت را پنهان کند.

رفیق شهید اسماعیل هادیان در زمان شاه نیز رنج و مرارت شکنجه و زندان را چشیده بود. او پس از رهائی از زندانهای شاه، با عزمی راسختر به مبارزه ادامه داد: فدائیی وار زندگی کرد و فدائی وار به استقبال مرگ رفت؛ با گامهای استوار و محکم از دروازه زندگی گذشت و در قلمرو مرگ به جاودانگی رسید. چریک فدائی خلق اسماعیل هادیان، فدائی وارد مقابل دشمنان خلق تاب آورد و سرفراز از آتش کینه، نفرت انگیز مزدوران گذشت و جان پاک خویش را نثار خلق ستمدیده خود نمود.

دیروز ساراوک با جنایات هولناک خود قلب خلق ما را پر از اندوه و نفرت ساخت، بیرحمی و قساوت رژیم شاه، آتش خشم توده ها را شعله ورتر میکرد و امروز پاسداران وحشی با جنایات آشکار خود، نشان میدهند که هزاران بار از اسلاف خود بیرحم ترند. جمهوری اسلامی میکوشد تا با فریب و نیرنگ عقاب را از چشم توده ها بپوشاند، اما هرروزه دهها واقعه، جنایات بی حساب او را برملا میکند. شاه با گتار فرزندان راستین خلق ما، قلوب بسیاری از مادران و پسران این مرزوبوم را بخون نشاند؛ و امروز جمهوری اسلامی، مدبار بدتر از آن میکند که سالهای سال شاه خائن دست بکار آن بود. هرروز از گوشه و کنار این مرزوبوم خبر از کشته شدن عناصر مبارز و انقلابی میرسد. زندانها که میبایست از عناصر خائن و خودفروخته پر میشد، باردیگر از انبوه مبارزین انباشته گشته است. چرا؟ برای اینکه همه گردانندگان جمهوری اسلامی، عناصر صوری خودفروخته و مزدورند و جز در جهت منافع اربابان ضد خلقی خود کار نمیکند؛ به بهانه های گوناگون فرزندان بیگناه مردم، دستداران زحمتکش را سلاخی میکنند. اگر کمونیست باشند، بعنوان کافر و فدا انقلاب، و اگر مسلمان مبارز باشند، تحت نام منافق، آنها را بیزیر تیغ میبرند. و اینجنین در میهن ما حمام خون برآه انداخته اند. جمهوری اسلامی که در دروغ و کوشی و قحاح دست همه هم پالکی هایش را از پشت بسته است، کوشش میکند تا با واژگونه طلسمه دادن حقایق و واقعیات، مردم ما را فریب دهد.

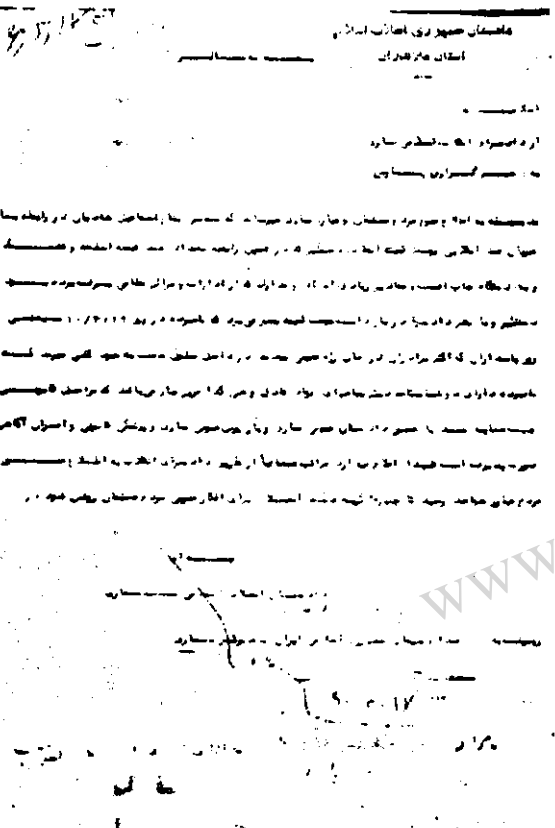
اما دیگر گذشت! امروز دیگر اکثر مردم ما چهره، واقعی اینان را شناخته اند؛ اکثر مردم ما پاسداران وحشی را شناخته اند و آنچنان خشم و نفرتی در دل خود نسبت به آنها احساس میکنند که بی حساب است؛ مردم ما دیگر میدانند که جمهوری اسلامی یعنی دروغ، از راه س تا پائین، همه دروغ میگویند؛ از راه س تا پائین، همه در فکر پرکردن جیب های خود هستند و از راه س تا پائین، هیچکس فکر این مردم ستمدیده نیست. جنایات شاه در ایفادی وحشتناکتر و وسیعتر تکرار میشود.

در این کیروندها، اپورتونیستیهای خاش آذربایجان معرکه شده اند. انقلاب ما برای خلق ما و نسل جدید انقلابی، یک اصل بهم را در تجربه زندگی بخوبی نشان داد و آن اینست: اپورتونیسم عملاً در جانب ضدانقلاب قرار دارد. اکثریتی های خاش و بیخرم، به مزدوران رژیم تسلیم شده اند؛ تمام امکانات تشکیلاتی خود را در جهت حفظ این رژیم وابسته بکار گرفته اند؛ عناصر انقلابی و مبارز را شناسایی میکنند و بدست پاداران حلال میپارند؛ خانه های آنها را شناسایی میکنند و آنها را با اطلاع کمیته ها و سپاه پاسداران بیرمانند؛ در درگیریها نسبت به پاسداران مزدور دل بیوزانند و نسبت به انقلابیون کینه میورزند؛ رهبران شان پای در جای پای "عیسای شهریار" گذاشته اند. اما این ورکنستان به تنصیر

**حمایان شاه در امانی و حشمانا کترو و سبختن
تکوار میسون**

ایر جاشین و خودمروحتگان، نباید بداند که: چریکها هنوز زنده اند! اینها میگویند: آنها میدانند که آتش کینه چریکها نسبت به دشمنان خلق خاموشی نمیگیرد. آنها بداند که چریکها هجگاه خانتکاران را فراموش نمیکنند. همچس حزب بوده، حیات سنگین این انگل ساسی مشعون از خیانت است. اسان حنی برای یک لحظه در جهت منافع مردم ستمیده، ما حرکت نکردند؛ این شوکر مضان دون ما ید، این آستان - بومان درگاه دشمنان خلق، صفت و همواره در خدمت صذخلق بوده اند و امروز نیز مانند همست، در همان راه کشف قدم بر میدارند. این گرگان بیرو، بیروت گرمگی خود را با گوشت مارورس انقلابی نسرو - میشانند. اکنون مردم ما همه اینها را لمس شاخته اند. خیانت اینان را ما دو چشم حسود میببید و بذهای کینه را در دلهای حویبشش پارورشر سازند.

و اما جمهوری اسلامی، جمهوری اسلامی میداند و خلقی خوب میداند که شتی ار آوردن نام ما بر زبان مترسد، امروز همه خلق ما این حقیقت را میدانند. اما چریکهار یکسو و جمهوری اسلامی از سوی دیگر، اینرا خوب میفهمند.



مردمداران مزدور جمهوری اسلامی، چریکهای فدائی خلق را با "اکثریت" و یا "اقلیت" اشتباه نگردد. آنها اطمینان داشته باشند که چریکها هرگز در درگاه آنها به تضرع و زاری نخواهند نشست؛ آنها اطمینان داشته باشند که چریکها هرگز برای آنها نامه های رنگارنگ نخواهند نوشت؛ چریکها جان بیکفتر صحنه آمدند، شور مرگ در راه آرمانهای خلق، سرتاسر وجودشان را انباشته است و آنها میدانند که در مبارزه علیه امپریالیسم و گهای زنجیرش، جبرانهای بسیار باید حاصل کنند؛ آنها میدانند که در راهی که پیش گرفته اند، هزاران حادثه ناخوار را تجربه خواهند کرد و آنها میدانند که با دشمنان زحمتکشان باید بیرحمانه برخورد کرد.

و فقیق شهید اسماعیل هادیان، اولین شهید چریکهای فدائی خلق ایران در مبارزه برحسانه آنها بر علیه امپریالیسم نیست. و آخرین شهید آنها نیز نخواهد بود. اگر او رفت و دیگر در میان ما نیست، خون او در رگهای ما جاریست. اندوه از دست دادن اسن رفیق فداکار آتش کینه چریکهای فدائی خلق را شعله ورتر مساره؛ اگر او لب فروستد در ریر کنگه های وحشانه پاداران مسردور جان داد، میدانست که مدای رسای او از لبان آتش زن ستمهای

Handwritten notes and signatures in the right margin, including a date "۱۳۵۷" and some illegible text.

رفناش برخواهد خاست! او سدانست که آتش انتقام ما دامن دشمنان را خواهد گرفت. او سدانست
 که چریکها سرانجام انتقام خواهد گرفت. و اکنون ما با خون او صیقل میدهیم خنجر انتقام را!

سایبان سه بیروزی راهبان

چریکهای فدائی خلق ایران ۶۰ / ۳ / ۱۸

شماره: ۶۲



شکجه يك امر ذاتی حاکمیت های امپریالیستی در کشورهای زیر سلطه

شکجه برای اقرار گرفتن و سرکوب انقلابیون در هند، بکشویه، عادی و معمول در تمامی کشور-
 های تحت سلطه امپریالیسم است. رژیم وابسته به امپریالیسم جمهوری اسلامی که در شکجه و ادبیت
 و آزار مبارزین و انقلابیون کمونیست روی رژیم سفاک پهلوی را سفید کرده است. جنیدی قتل هیئتی
 برای بررسی مسئله شکجه روانه زندانها کرد. اما نه برای روشن کردن حقایق هولناک شکجه های
 قرون وسطایی که در زندانها، علیه فرزندان خلق بکار میبرند، بلکه برای تریبون گذاردن بر روی
 این اعمال جنایتکارانه شان.

دیگر چه کسی است نداند که ترور و شکجه بعنوان یک امر عادی و روزمره بر علیه انقلابیون
 این مرز و بوم بکار گرفته نمیشود. آنها بیکرهای به خون تشیده، رهبران خلق ترکمن رفقا: توماچ،
 مخوم، جرجانی، واحدی، گویای این جنایت هولناک نیست. آنها شکجه و ترور رفیق کارگر-
 "هبان" و هزاران هزار نمونه زنده، دیگر نظیر اعدام های ساختگی، داغ کردن و شلاق زدن، تشیت
 رسوایی این رژیم وابسته به امپریالیسم را به صدا درنیاورده است!

گندیدگی و فساد آنچنان سراپای رژیم را فرا گرفته که با کمال بیشرمی و بیست فطرتی تجاوز
 به انقلابیون و خرد کردن شخصیت آنها را دیگر جزو شکجه بحساب نمی آورند" در جایی تجاوز به بسک
 جوان را و آنهم به عنوان اولین نمونه از شکجه نام میبرند که هیچ ربطی به شکجه ندارد"
 (روزنامه جمهوری اسلامی - شماره ۵۳۹ - ۳۰ فروردین). روش اعمال شکجه آنچنان دامنه گسترده ای
 در سیاهالیهای رژیم مدخلی رواج دارد که حتی دست اندر کاران فاسد این حاکمیت در لابلای حرفهای
 مردم فریبشان بدان اقرار میکنند "در زندانهای جمهوری اسلامی شکجه نیست و اگر هم بوده که
 من از آن اطلاعی ندارم و مربوط بد قبل است" (انقلاب اسلامی - شماره ۵۱۲ - ۲۴ فروردین ۶۰). بیسی
 حساب بشارنی سوچی بوجود شکجه در قتل اعتراض میکند. جای دیگر منتظری در معاحبه مطبوعاتی
 میگوید "نظام حاکم بر بازجویی و بازپرسی دادگاهها و زندانهای ما به هیچوجه مبتنی به شکجه
 نیست اگر در موارد معدودی نیز دیده شده بطور غیرمسئول و استثنائی از سوی افراد غیرمسئول
 بوده است - شکجه در زندانهای ما دیده نشده فقط تعداد معدودی ادبیت و آزار که جنبه شخصی
 داشته" (جمهوری اسلامی - شماره ۵۳۹ - ۳۰ فروردین ۶۰).

سکا رگیری این روشهای مدخلی هرچه بیشتر ما هیت وابسته حاکمیت مدخلی جمهوری اسلامی را بنمایش
 میگذارد، شکجه و تجاوز به حقوق خلقها روش تمامی کشورهای وابسته به امپریالیسم است. بعد از
 این هم باز شکجه و سرکوب در زندانهای رژیم مدخلی جمهوری اسلامی ادامه خواهد یافت و
 میدانهای تیرباران با خون مبارزین و انقلابیون کمونیست کلگون خواهد شد و حاکمیت امپریالیستی
 برای حفظ حیات خیانت بار خویش خلقها را وحشیانه تر از پیش بخون خواهد کشید و بهمراهش شادان
 سیاسی همچون اکثریت و حزب نموده، خاشن که با سکوت خاشنه شان در برابر این جنایت ها و بسا
 وارونه جلوه دادن آن، سینه خلق را نشانه رفته اند هرچه بیشتر اشاء خواهد شد. حرکت تاریخ
 لحظه ای باز نخواهد ایستاد و خلق تنها زمانی راه خود را از میان آتش و خون سوی آزادی باز
 خواهد یافت که مسلحانه تحت رهبری بیولتاریا بیا خیزد.

مرگ بر امپریالیسم و سنگهای زنجیریش

در حالیکه عوامل حکومت وابسته، جمهوری اسلامی با سوی و کربان از بیروزیهای خود در حبههای جنگ دم برسند و سدبانه، ایگه آغازگر جنگ سودهاند هر رورد حمل های جدیدتری برای اداسنه، جنگ مستراشد. بهایر نرسبت تحت سوزان خرسدن وسایل و تجهیزات "لازم" جنگ، میلیونها دلار ببول

بم نام خدا
 وزارت جنگ ایران
 نسخه ثبت
 بسم الله الرحمن الرحيم

بدوایسبه بختنامه به کبه وزارتخانه ها ووسسات سازمانهای دولتی وایسبه به سرتیادهای وایسبه
 مکرره که به واحد لریف دستور فرطیند از ادای خدمت بطرف کارکنان افراد سرتیادهای وایسبه
 ۱۳۵۶ که تهیه بوده و تکلیف خدمتی خود را با اداره طبقه عمومی و ارتش تحسین سرتیاده سرتیادان سرتیاده
 تا چهجهی برای خدمت رضایه سایر افراد اعزامی به چهجه های جنگ ایجاد شود.

نسخه ثبت
 محمد طی رحمانی
 ریویزه چهجه اطلاع و اهدام بحسبیه بجه تهران و سوجه ارسال مکرره
 مدیر کل دفتر ریارت
 ۱۱۳۴۶/۱۶۵
 ۴۳۵۵۴/۲۹۴
 ۵۱/۱۲/۱۱
 ۵۱/۱۲/۱۳

اداره طبقه ۱۶ یعنی چهجه اطلاع جنایچه خدمت طفلی که در آن اداره مشمول بطراسته و شریف اعزام
 آنها برهن نسخه از ادای که آنها جلوکوری که تکلیف خدمتی خود را با اداره طبقه عمومی ریارت سازند
 صا* اقدس حاجری
 مری برسته تدبیریه کل مستخبران و سوجه
 ریویزه به
 کبه واحد های وابسته چهجه اطلاع برستل واحد ترابط و صرعی خود صفا* آنها آو مکرره بر صرعه
 خدمت بویه به بختنامه تقی مرفرد نسحا* سولون مراتب بحدی بویه و طبق بختنامه به
 خدمت آنها جلوکوری خواهد شد.

مسئول مسئول
 معاون طبقه ۱۶ بخش

امر ممکن بود خاطر اربابان را آزرده یارد و باعث دلسردی شان از غلامان عمامه سر و بسا
 "لیبرال" کرده، دست به نهیدد و ارقام زدند که آنهاشی که به چهجه های "حق علیه باطل" نمبروند
 ضد انقلابید و... خلاصه حظ و نشان کشیدد. از جمله جناب رحاشی طی سخنا مه ای که به نظرتان خواهد
 رسد اطلاع فرموده اند " که از سکارگری و به خدمت گماردن معضی خدمت های غایب و... خودداری
 شود". ایشان مایلند که به زور و با نهیدد به از کارسکار کردن و عیره برای چهجه های "حسب
 علیه باطل" "داوطلب" دست و پا کنند.

اما دیگر نه نهیدد، به کشنار و به فریب کارآشی ندارد و توده های انقلابی حواستار قطع
 جنگ امیربالیستی میان دو دولت وابسته ایران و عراق هستند.



بقیه ارمعه ۹

اهمیت می دهند. در این بین اگر آن زحمکنان از سرما برسند ماضی ندارد در عوض طبیعت
 همانطور که قلا" تحت آن شد حفظ و حراست شده است و اما چه، "سنت" این برنامه ریزی "تکر"
 در ماهنامه دی ماه شادیم "بوسیلد" ما، بوریس محیط ریست فارس: ۶۲ مورد تخلف تولید و محصل
 دعال هیزم، قطع درختان و شکار حیوانات وحشی کشند و در من ادامه داده اند "... همچنین
 صن معرفی مختلفین به مراجع قماشی تعداد ۱۱ قیفه سلاح مختلف اخذ و نیز مبلغ ۲۵۷۳۴۴ ریسال
 باست حرائم از آنان دریافت کرده است". آری! باست تخلف حربه های کلان دراست می کنند و کلی
 بول به حیداربانان سراربر می کنند. سازمان حفاظت محیط زیست یک چنین "نهاده خلقی" است که به
 دولت برسبرده، جمهوری اسلامی خدمت میکند. زحمکنان را که از سودن سوخدر فصل زمستان رنج
 می برند و از موهبت "گار و سنت" محروم هستند اینچسین به بند کشیده و می آزارند.
 زحمکنان آگاه مین ما می داند که سنی اس ارکان و سایر ارتقاها که در خدمت دولست
 وابسته، جمهوری اسلامی هستند در سرکشد کردن جلاص خلاصه می شود و سمن، سکوتم دستا این غارتگران
 را از منافع طبیعی میهمان کوتاه سازیم و سحق این امر در پرتو سحکی سحت و بی ایمان بر طبقه این
 اربابان جهاولگر ممکن خواهد بود.

لنگرود

رژیم جمهوری اسلامی که مجری سیاست های امپریالیستی است از آگاهی نوده ها در هراس است زیرا بخوشی میداند که نعله های تاسیاک آگاهی نوده ها و دودمان ستم آنان را درهم خواهد پیچد. بنابراین با استفاده از نیه های آریامهری می خواهد مانع رشد روز افزون مبارزات مردم شود.

مدارس که یکی از مکانهای حساس است، به آئینه، دق رژیم مبدل شده زیرا فرزندان میهنان همراه با آموختن دانش از مبارزه نوده ها، تا شیر می پذیرند و خود را عمل انقلابی در مبارزات نوده ها تا شیر می بینند و بدین خاطر مدام مورد تعرض ضد انقلابی رژیم قرار می گیرند. ولی دانش آموزان بدون توجه به بخشنامه های آریامهری، سرکوب، ترور، ارضیاب، همچنان در جهت منافع زحمتکشان گام برمیدارند. بخشنامه، زیر که توسط آموزش و پرورش لنگرود به تمام سطوح آموزشی ارسال شده است، بیانگر وحشت رژیم از این کانون مبارزه است.

طی فرمی که به مدارس ارسال شده، مدیران مدارس خواسته اند بخاطر تفکیک خادم از خائس (نو بخوان نوکر از مبارز) و تقدیر "همکار زحمتکش" و تشبیه "مغرب" (نو بخوان فرب و شتم و قتل انقلابیون "فروریست" ساخت خود را نسبت به عملکرد شش ماهه، سال جاری در مورد ابواب حصی آموزشگاه بطور "محرمانه" گزارش کنید آنهاش که "مثبت و فعال" هستند در قسمت مثبت و آنهاش که به تحریف فکری و با کم کاری مشغولند در قسمت منفی بنویسید تا "تشبیه" لازم بعمل آید.

بله درست از همان نیه های آریامهری، بخشنامه های سری برای شناسایی انجمن مبارز استفاده می شود تا بقول خودشان اینکوه افراد را تشبیه کنند. زهی خیال باطل که انگسیر آن بخشنامه های سری، محرمانه، سابق، توانست از رشد مبارزه، نوده، از خم نوده، خلق برعلیه سوگران امپریالیست بکاهد این اطلاعیه های آریامهری نیز خواهد توانست.

از اداره آموزش و پرورش لنگرود دریافت شد که در تاریخ ۱۳۰۶/۲/۸ - کارگر ۱۸ ساله ای بعلت اشکالات فنی دستگاه بالابرنده از ارتفاع ۴۰ متری سقوط کرد. این حادثه و دهها حادثه مشابه آن بارهای بار تکرار شده و میشود و مقرر اصلی آن سرمایه دارانی هستند که بخاطر استثمار هر چه بیشتر کارگران آنان را حتی از کمترین امکانات ایمنی کار بی بهره گذاشته اند.

شرکت توسعه راههای ایران - ۶۰/۲/۱ - در این روز گروهی از کارگران مبارز به علت اعتراض به عدم پرداخت حقوق عقب افتاده خود بپیمانکار شرکت فوق را به گروگان گرفتند. در تاریخ ۶۰/۲/۳ شرکت مجبور گردید حقوق عقب افتاده کارگران فوق را بپردازد و جناب پیمانکار را که همچنان بصورت گروگان نزد کارگران مانده بود، آزاد نماید. باشد که این حرکت الهام بخش سایر رفقای کارگر نیز باشد که با اتحاد خود نه تنها چیزی را از دست نخواهند داد بلکه دنیاش را بدست خواهند آورد.

مشبهه ۶۰/۲/۸ - کارگر ۱۸ ساله ای بعلت اشکالات فنی دستگاه بالابرنده از ارتفاع ۴۰ متری سقوط کرد. این حادثه و دهها حادثه مشابه آن بارهای بار تکرار شده و میشود و مقرر اصلی آن سرمایه دارانی هستند که بخاطر استثمار هر چه بیشتر کارگران آنان را حتی از کمترین امکانات ایمنی کار بی بهره گذاشته اند.

صحیح یک خبر - در خیرنامه شماره ۹۹ در بالای صفحه ۱۷ خبری از اصفتیان تحت عنوان "باز هم یک نمونسته دیگر از وحشگری سپاه پاسداران" آمده است. بخشی از این خبر اشتباه بود که بدین ترتیب اصلاح میشود: "... ولی برادر عباسی که حرو دستگیرندگان بوده است بحرم اهانت به حسنی و پاسداران، تحت عنوان قاچاقچی و سمطور آنکه قصد فرار داشته، بعد از آنکه به تعداد زیادی شلاق محکوم شده بر زندان افکنده میشود...."

شیوه‌های آریامهری

در سرکوب یوسنل انقلابی ارتش

ارتش فدائیتی جمهوری اسلامی با ارتش آریامهری ماسی چه پیش از قیام و چه پس از آن عملکردی جز سرکوب خونین خلقهای ایران و منطقه منظور حفظ منافع امپریالیسم نداشته است. اینک فرماندهان آمریکائی در ادامه سیاست گذشته، مشغول ایجاد اختناق در درون ارتش یعنی سرکوب هرگونه حرکت اعتراضی و پرتسلسل انقلابی منظور حفظ حیات سگین خویش و تحکیم بافت ارتش امپریالیستی می باشند.

اطلاعیه زیر گویای بخشی از این حرکت مدیوحانه بمنظور شناسائی و سرکوب پرتسلسل انقلابی ارتش می باشد.

موضوع

اطلاعیه بمنظور شناسائی و سرکوب پرتسلسل انقلابی ارتش

موضوع: سرکوب هرگونه حرکت اعتراضی و پرتسلسل انقلابی منظور حفظ حیات سگین خویش و تحکیم بافت ارتش امپریالیستی می باشد.

موضوع: سرکوب هرگونه حرکت اعتراضی و پرتسلسل انقلابی منظور حفظ حیات سگین خویش و تحکیم بافت ارتش امپریالیستی می باشد.

موضوع: سرکوب هرگونه حرکت اعتراضی و پرتسلسل انقلابی منظور حفظ حیات سگین خویش و تحکیم بافت ارتش امپریالیستی می باشد.

بسمه تعالی

خیلی محرمانه

شماره: ۵۰۲/۰۸/۲/۲ ح

تاریخ: ۱۳۶۰/۱/۲۲

از نزاجا معاونت عملیات و اطلاعات (مد حفاظت اطلاعات) به گیرنده‌گان مراجعه شود. موضوع دستورالعمل پیشگیری از فعالیت‌های مضره برابر دستورالعمل سماجا ۲

هدف - پیشگیری از هرگونه فعالیت براندازی علیه جمهوری اسلامی ایران منظور - تشبیه وظایف فرماندهان و رؤسای تعیین رامکان بمنظور شناسائی عوامل مخالف و تشبیه خاطیان اجرا - کلیات (امل ۱۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران)

ارتش جمهوری اسلامی ایران باید ارتشی اسلامی باشد که ارتشی مکتبی و مردمی است و بایستد افراد شایسته را به خدمت بپذیرد که با اهداف انقلاب اسلامی مؤمن و در راه تحقق آن فداکار باشد. با توجه بدینکه مدافعان انقلاب گروه‌های مخالف تلافی و کوشش دارند با نفاق در ارتش جمهوری اسلامی ایران نطفه‌های براندازی را ایجاد نموده و لطمه عمده‌ای به نظام جمهوری اسلامی کشور وارد آورند. لذا ضروری است فرماندهان یگانها و رؤسای سازمانها با عوامل براندازی مسئولان برخورد نموده قاطعانه اقدام نمایند.

مسئین و عاملین هرگونه اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران اعم از پخش اعلامیه، تخریب گروه‌های مخالف و کت‌ظالمه، گروه‌گراشی و کرده‌گراشی و شعارنویسی که بمنظور توطئه علیه انقلاب اسلامی ایران باشد، باید بلافاصله شناسائی و توسط رؤسای و فرماندهان از طریق سلسله مراتب بدادگاه انقلاب ارتش اعلام گردد.

۲ - حفاظت اطلاعات یگانها و قسمتهای مشابه موظفند برای اطلاع از وقوع مواردی از اقدامات فوق ضمن پیشگیری مراتب را ظرف مدت ۱۲ ساعت تلگرافی یا تلفنی شماره ۲۸۴۰۶۰ با رعایت ملاحظات حفاظتی بمدیریت حفاظت اطلاعات نزاجا آگهی نمایند.

۳ - انتظام پیش‌بینی‌های لازم جهت شناسائی عوامل و جمع آوری مدارک و ارجاع بدادگاه در صورت وقوع هر یک از جرائم فوق از طریق سلسله مراتب

۴ - کسب اطلاع و جمع آوری اخبار از حوزه مسئولیت خود از هرگونه فعل و انفعالات مخالف و انعکاس آن بدادگاه.

خیلی محرمانه

آذربایجان

۶۰/۲/۱۱ - از آنجائی که دست جکومست بر ارتجاعی برای مردم رو شده و دیگر نمی توانست مردم را با ترس و استیصال خود بکشد و فقط قادر است بدینسان، را ضیاعی تعداد اندکی از خانواده های باستاناران و سایر مردورانشان را که مجموعاً ۲۰۰ نفر هم می شود به حاکمان بکشد دست به حمله سوسیالیستی زدند. این سربازان در کلاسهای سرگمالاتان اعلام تفرقه که در روز یازده اردیبهشت امتحان شدند و لیکن در آن روز آنان را به مسجد شهر بردند و سپس گفتند فعلاً راهپیمائی می کنیم و در پایان راهپیمائی که جمعیت به ۲۰۰ نفر هم می رسد از آنجائی که ضحیک از اعمای مهمانان آموزشی بود، امتحان منگوب ماند و آنان جنگین به خانه های خود بازگشتند و اسبجین بود که رژیم نظاهرات اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) را برگزار نمود! زهی سترسی!

ساری

۶۰/۲/۲۲ - یکی از کارمندان راه آهن دولتی ایران سبب آنکه از دادن حقوق قانونی برآز رده بودت، به رئیس کل حلهور شده و او را با جاقوشی رخمی کرد. در این رابطه انجمن اسلامی کارکنان راه آهن در موضع گیری خود متن اطلاعیه ای مبنی بر ابرار تا شمار این عمل "جمع" حاکمان جناب رئیس کل را گرفتند و سفلی حاضر خود را به حبه ارتجاع سان می کند.

تنگابن

۶۰/۲/۷ - هواداران جریکهای فدائی خلق ایران از ساعت ۹/۵ صبح نمایندگانی به مناسب گرامیداشت روز جهانی کارگر دایر بودند که با استقبال بسیاری از دانش آموزان روبرو کردند. در این نمایندگانه رفقای هوادار علاوه بر ساله ای که به مناسب روز جهانی کارگر تهیه کرده بودند، اعزاز غیرنامه شماره ۵۵ را سرگمویی کرده و اسامی مربوط به اشاکریها را در آنها بکار برده بودند. در طی این نمایندگانه رفقای هوادار سروده های جریکهای فدائی خلق ایران را بخنن نموده و به فروش کتب و نشریات و سوار جریکهای فدائی خلق مبادرت کردند.

۶۰/۲/۱۲ - بر اثر خشک توب های نیروهای عراقی، چند بچه که مشغول بازی در حسابان بودند و جدس نفر مرد و زن مورد آتاشی سرتکی حمیاره قرار گرفتند. توضیح آنکه مردم شهر فاقد هر نوع بساهاکاه و ریززمین می باشد و در هر خانه حداقل ۱۵ نفر زندگی میکند که اکسیرا از آبادان، خرمشهر، اهوار، درفول، شوش، روستاها و شهرکهای منگوب آمده اند.

مسجد سلیمان

۶۰/۲/۸ - عده ای جماع بدست دو جوان سارزی که شراب می فروشند، حمله کردند و آنها را مورد ضرب و شتم قرار دادند. سراسهارا سوار ماشین نموده ندا مردم با جمع نمود دور ماشین مانع بردن آنها شدند. در این اثناء سباه مردوران رژیم از راه رسد و آنها را سوار ماشین خود نمود لیکن مردم اسرار دور این ماشین جمع شدند. وقتی باستاناران و مسج را حین دیدند از سان حصبه فرار کرده و آن دو س را سر بردند.

هم میهنان عزیز! جریکهای فدائی خلق ایران برای پیشبرد امر مبارزه ضد استبداد به کمک مالی شما نیازمندند. این کمکها را بوسیله مقتضی و از طریق مطبعتی که خود می سازد در اختیار ما قرار دهید.

آنها بلك خلق مسلح است كه می توانند آزاد زندگی کنند!

کسور و کسرهاست.....

کنون وقت است زجا خیزیم
کنون وقت است دستار هم بگیریم و

بدها خیزیم

کنون وقت است زگیار منقلبایمان

بیمه آسان نبره لب را

آفتاب وار برنوا نشان شود

و در ظلمت شب

توده ها را را ضمن دریاها شود

و سیلاب انقلاب سرخ بر کاج نسین های مردود

روان شود

کنون وقت است که

نلیهای جریب دامن

با سرب داغ

با سرب آشن کینه آشنا شود

خون سرخ جان پرگمان انقلاب خلق

دریا شود

محضری زخم و کینه توده ها بپا شود

و رزم سرخ منسج ما گذشته ها را جویا شود

کنون وقت است ای رزم آور انقلاب

کنون وقت است رجا خیزیم

کنون وقت است دستار هم بگیریم و

بدها خیزیم

جمعه ۶۰/۲/۱۸



شماره صفحه ۳

نیروی می تواند مدعی پیشاهنگی باشد که بتواند یک باخ مشعر و روشن به این مسئله بدهد چگونه باید قدرت دولتی امپریالیستی را سرکون ساخت ، چگونه بایستی ارش ، این عامل ابقاء منطقیه امپریالیستی را درهم شکست ؟ هر نیروی مدعی مارکسیسم - لنینیسم اگر نتواند باین مسئله پاسخ منحصر دهد ، در عمل به مارش ضیقانی ، رفرمیسم ، تسلیم طلبی کشیده خواهد شد . "اقلیت" در برابر این واقعیت ناتوان است و از آنجائیکه میخواهد بزندگی انگلیسی خود ادامه دهد ، سعی میکند مرز بین من خلق و ضد خلق ، مرز بین انقلاب و ضد انقلاب را مخدوش سازد ، ذهن توده ها را فاسد کند و زدوبندهای سیاسی یا آنطور که خود می نامند "فعالیت سیاسی - انقلابی" عینی را ، بجهت توان مبارزه ، سیاسی - کمونیستی جا بزند ، تا زمانی بیشتر به حیات خود ادامه دهد .

"اقلیت" از حاکمیت امپریالیستی میترسد ، او بچوس میداند که درگیر شدن باین حاکمیت به فداکاری و از خودگذشتگی ، آگاهی ، بگیری و خلاصه همه آنچه که یک چریک فدائی خلق بایست داشته باشد ، نیازمند است .

این درست است که "اقلیت" این نام را بر خود گذاشته است اما فائق محتوای واقعی آن میباشد . "اقلیت" این نام را بر خود گذاشته به باین خاطر که راه پرافتخار آنها را دنبال کند ، بلکه از سوابق مبارزاتی آن برای امیال سیاسی حقیقی خود استفاده کند .

"اقلیت" نقش دلال سیاسی را بازی میکند ، او و دیگر نیروهای مشابه او ، که مدعی مارکسیسم - لنینیسم بوده و داعیه رهبری مبارزات خلق و در راه آن طبقه کارگر را دارند ، با این شیوه ها ، مبارزات خلق را به دور باطل گشاده اند .

ادامه دارد

بحث آزاد صد او سپیای جمهور می
 اسلامی چهاقی است بر سر توده ها و
 فزاده های است که هراره گردن نبروهای
 خائنی چون اکثریت و حزب توده و...
 و خواهد فشرد زیرا ما شاهدیم که این
 بحثها جز فریب و تحقیق توده ها و
 سرکوب افکار آزاد پیخوامانه هدف
 دیگری ندارد پس ؛
 مرگ بر فریبکاران و سرکوبگران!

سیمان
 - ۲۲ اسفند ۱۳۰۰ بهشت - شماره ۱۱۲۸۲

بحث آزاد تلویزیونی
 بهشتی، پیمان، سرورش
 مصباح، کیا نوری،
 طبری و فرخ نگهدار

کتابهای مالی رسیدگی

رفضا:

۱- عنوان

نام خود نهایت

حرف را همراه با

کک و کتوبند

ماعدار کمک را

ساکت جمع

کرده تا آخری

اول در برنامه

می آوریم.

۲- نام شهر

حدوداً چقدر

ذکر کند.

سرنام	م	۸	کویس	۱۰۰۰۲
الف	ی	۵۱۰۰	ال	۱۵۰۰
م	ط	۵۰۰	ن	۱۰۰۰
ن	ن	۵۰۰۱	ی	۲
ی	ی	۲	کویس	۱۰۰۰۹
ی	ی	۱۰۰۰۹	ی	۱۰۰۰۹
ن	ن	۵۰۰۲	ن	۵۰۰۸
ی	ی	۲۶۳۶	ن	۱۰۰۱۰
ی	ی	۲۳	کویس	۱۰۰۰۹
ی	ی	۱۰۰	کویس	۱۰۰۰۹
ی	ی	۱۰۰۲۳	ن	۵۰۰۲
ی	ی	۵۱۱	ی	۵۰۰۸
ی	ی	۲۰۰۹	ی	۲۶۳۶
ی	ی	۲۱۲۲	ی	۱۰۰۱۰
ی	ی	۱۱۲۲	ی	۱۰۰۰۹
ی	ی	۲۶۲	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۲۰۶۲	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۲۰۵	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۱۲۱	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۲۰۱۳	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۵۰۰	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۱۱۱۱	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۱۰۰۱۹	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۱۹	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۱۰۱۲	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۲۰۴	ی	۲۳۰۰
ی	ی	۱۰۰۰	ی	۲۳۰۰

مادر هدیسه	۱۰۰۰
نما رسید	۹۰۵
آدر شهر	شاهین شهر
ط	۸۶۸
ج	۶۶۶
م	۶۱۱
اطرفی	۱۰۰
کراس	۲۷۴۸

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق برهبری طبقه کارگر

رفضای هوادار :

با انتخاب مطالبی از اعلامیه‌ها، خبرنامه، جزوات و کتب چریک‌های فدائی خلق ایران به بازگشت، تهیه تراکت، دیوارکوب (اوزالید یا درشت‌نویسی)، شعارنویسی روی دیوار یا پاره‌های و... بپردازید.

رفضا: برای انجام این وظیفه مبارزاتی موارد زیر را در نظر داشته باشید:

شرایط خاص محلی، وضعیت محیط فعلیتی، روانشناسی توده‌ها، مسائل مورد نظر و مسائل سیاسی مطرح شده در سطح جامعه.

رفضای مسئول سورج خراسان

بهای خبرنامه در میان است ولی برای توزیع آن در بین زحمتکشان بوسی دربانان نکنید.